

### زنان هخامنشی ۳ برابر مردان حقوق می گرفتند

«شاهرخ رزمجو»، سرپرست مرکز مطالعات هخامنشی موزه ملی، توضیح می‌دهد: «بیش از ۳۰ ملت در قلمرو ایران هخامنشی جای داشتند. مرزهای ایران از یک سو، از هند تا یوگسلاوی و بلغارستان در اروپا و از سوی دیگر، از مصر و ایتالیایی و لیبی در آفریقا تا مرزهای چین و دشت‌های سیبری گسترده بود.

حدود ۷۰ سال پیش، در سال ۱۳۱۲/۱۹۳۳م، در جریان کاوش‌های موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی «ارنست هرتسفلد» ایران‌شناس، مجموعه‌ای از گل نوشته‌ها در باروی شمال شرقی تخت جمشید به دست آمد. این مجموعه که مشتمل بر حدود ۳۰ هزار لوح بود، متعلق به سال‌های ۵۰۹ تا ۴۹۴ ق.م است و به خط میخی ایلامی نوشته شده است. چهار سال بعد، این مجموعه برای مطالعه به طور امانی به دانشگاه شیکاگو سپرده شد. از آن زمان تاکنون، بخشی از نتایج مطالعات محققان این دانشگاه منتشر شده است.

سال گذشته، در بهار ۱۳۸۳، دکتر «گیل استاین»، مدیر موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، ۳۰۰ گل نوشته از متن‌های ترجمه شده باروی تخت جمشید را از سوی دانشگاه شیکاگو در جعبه‌های ضد اسید و ضد رطوبت به ایران بازگرداند.

این اسناد که دارای ارزش فرهنگی بسیاری است و بخشی از پیشینه فرهنگی ایرانیان را بازگو می‌کند، تاکنون در انبار موزه ملی نگهداری می‌شد. اما پس از دسته‌بندی و تهیه شناسنامه انگلیسی و فارسی، برای نخستین بار نمایشگاهی از این الواح در موزه ملی تا پایان خرداد ماه برپا شده است. نمایش این تعداد الواح که از نظر موضوعی نیز دسته‌بندی شده‌اند، تاکنون در جهان بی‌سابقه بوده است. اما از این الواح چه اطلاعاتی به دست می‌آید؟

«شاهرخ رزمجو»، سرپرست مرکز مطالعات هخامنشی موزه ملی، توضیح می‌دهد: «بیش از ۳۰ ملت در قلمرو ایران هخامنشی جای داشتند. مرزهای ایران از یک سو، از هند تا یوگسلاوی و بلغارستان در اروپا و از سوی دیگر، از مصر و ایتالیایی و لیبی در آفریقا تا مرزهای چین و دشت‌های سیبری گسترده بود. اداره چنین قلمرو بزرگی در ۲۵۰۰ سال پیش نیاز به نظم و انضباط و سازمان‌دهی اداری بسیار دقیقی داشت و هخامنشیان توانستند به کمک سازمان‌دهی بی‌نظیر خود، نزدیک به دو قرن این امپراتوری را به خوبی اداره کنند.

اسناد اداری هخامنشیان بیشتر به خط و زبان ایلامی روی گل نوشته می‌شد. در کنار آن، از خط و زبان‌های دیگری مانند آرامی هم استفاده می‌شد که بیشتر با جوهر روی پوست و چرم و لوح نوشته می‌شد. الواح ایلامی به نمایش درآمده نمونه‌ای است از اسناد اداری هخامنشی که شامل پرداخت مواد خوراکی برای موارد گوناگون از طرف دولت است.

«تعدادی هم رسیدهایی است که در ازای دریافت کالا یا مواد غذایی داده می‌شد. چون هنوز پول و سکه به طور گسترده استفاده نمی‌شد. در آن زمان، تازه داریوش سیستم پولی را به وجود آورده بود و هنوز سیستم تبادلی بیشتر از طریق مواد غذایی انجام می‌شد.

تعدادی از متن‌ها محتوی پرداخت‌های دینی است. این گونه متن‌ها نشان می‌دهند که روحانیان ایرانی و ایلامی برای نذر به خدایان یا مراسم مذهبی خود مواجبی از دولت دریافت می‌کردند و جالب این که هر کدام از ایرانیان یا ایلامیان می‌توانستند مواجب خدایان را دریافت کنند و برای خدای دیگری به مصرف برسانند. یعنی همکاری بسیار نزدیکی میان دین‌ها بود. در بعضی متن‌ها آمده که کالایی که برای یک خدا داده می‌شد، بعد از اجرای مراسم به کارگران تحویل داده می‌شد تا آن را مصرف کنند. همین متن‌های پرداخت‌های دینی می‌تواند اطلاعاتی از قبیل خدایان مورد پرستش یا مراسم مذهبی مردمان آن روز به ما بدهد. مثلاً از متن‌ها در می‌یابیم که مراسمی به نام «لن» وجود داشته است. چگونگی این مراسم مذهبی را دقیقاً نمی‌دانیم اما ظاهراً مشابه مراسم مسح مسیحیان بوده است. نام خدایانی چون اهورامزدا، میترا، نریوسنگ و سپندارمد هم در این الواح به چشم می‌خورد و قدمت پرستش این خدایان را نشان می‌دهد.

نکته جالب دیگر این که از ایزدبانو آناهیتا با همه قدمت و جایگاهی که در افکار ایرانیان داشته نامی برده نشده اما پرداخت‌هایی برای آب، رود و کوه مقدس وجود دارد که شاید با این ایزد بانو بی‌ارتباط نباشد. بنا بر توضیحات شاهرخ رزمجو، آن چه در این نمایشگاه بسیار مهم است، اثر مهري است روی یکی از این گل نوشته‌ها که کهن‌ترین اثر مهر هخامنشی در جهان محسوب می‌شود. این اثر مهر متعلق به سال ۵۰۰ ق.م یا سال بیست و دوم داریوش است و خود مهر متعلق به کورش اول، پدر بزرگ کورش بزرگ، یعنی مربوط به سده هفتم پیش از میلاد است.

این مهر نقش سواری است نیزه به دست و پیاده‌ای که نیزه‌ای از میان بدنش رد شده و کمان شکسته‌ای در دست دارد. کورش اول در این مهر خود را چنین معرفی می‌کند: «کورش، پسر چیش پش، پادشاه شهر انشان». یعنی در زمان داریوش هنوز از مهرهای خلی قدیمی، مربوط به پادشاه چند نسل قبل استفاده می‌شده است. این مهر از نوع استامپی، مشابه مهرهای امروزی است. علاوه بر مهرهای استامپی، در این نمایشگاه گونه دیگر مهر نیز به نمایش درآمده به نام مهرهای سیلندری. این مهرها با غلتاندن آنها بر روی گل می‌توانسته بی‌نهایت شکل ایجاد کند. کاربرد مهرها همانند امروز برای رسمیت بخشیدن به اسناد بوده است.

در این نمایشگاه، یک نمونه قلم نگارش خط میخی نیز به نمایش درآمده است. این قلم به تازگی از حفاری‌های دکتر اسماعیل یغمایی در «تل بندو» در فارس پیدا شده و ظاهراً برای نوشتن خط پروتو ایلامی (= ایلامی متقدم) بوده است نه خط میخی فارسی باستان. اما به هر حال، بهترین نمونه‌ای است که از یک قلم کتابت قدیمی در دست است. رزمجو در مورد الواح گروه‌های دیگر می‌گوید: «سایر گروه‌های به نمایش درآمده، شامل مواج مادران، مواج سفر، مواج حیوانات، مواج کارگران و متن‌های محاسبات است.»

سپس در مورد هر گروه توضیحاتی بدین شرح ارائه می‌دهد: «مادرانی که ظاهراً کارمند دولت بودند و در شهرهای فارس، یعنی پارس قدیم، کار می‌کردند (چون این متن‌ها همگی مربوط به ناحیه مذکور است)، از طرف دولت حق اولاد یا مواج ویژه‌ای دریافت می‌کردند. بررسی حقوق و دستمزدها نشان می‌دهد که در بعضی موارد، حتی با شغل برابر، زنان سه برابر مردان حقوق می‌گرفتند.

مواج سفر بخشی به مسافرانی که از شهرهای مختلفی چون قندهار، هند، سارد، مصر، شوش، کرمان و... آمده بودند، داده می‌شد و بخشی به پیک‌های پیش‌تاز تعلق می‌گرفت. به عبارتی، قدیمی‌ترین پرداخت سیستم پست جهان در این الواح ثبت شده است. پیک‌های پیش‌تاز که در ایلامی «پی‌رذیش» خوانده شده‌اند، پیام‌ها را به سرعت در طول جاده‌های امپراتوری حمل می‌کردند و این قدیمی‌ترین و سریع‌ترین سیستم پستی جهان بوده که داریوش آن را بنیان نهاده بود.

برخی لوح‌ها جنبه برجسب کالا داشته که با خود کالا فرستاده می‌شده است. بعضی از متن‌ها هم به متن‌های محاسبات معروف‌اند. این متن‌ها سالانه‌اند و گزارش پرداخت‌ها، برداشت‌ها و ذخیره سال آینده را در بردارند. این متن‌ها درست مانند متن‌های حسابرسی امروزی جدول‌بندی شده‌اند و خطوط جدول‌ها روی الواح نمایان است. متن‌های محاسباتی از ریاضیات بسیار پیشرفته‌ای برخوردارند و برای مطالعه آنها باید علاوه بر ایلامی، بر ریاضی نیز مسلط بود.

روی بیشتر الواح به خصوص الواح محاسباتی، نوشته‌ها یا علایمی به چشم می‌خورد که به خط آرامی که با مرکب نوشته شده و نشان می‌دهد از روی این متن‌ها، آرشیو دیگری تهیه می‌شد که روی پوست یا چرم به زبان و خط آرامی نوشته می‌شد و جای دیگری نگهداری می‌شد. روی بعضی الواح فقط علامتی مبنی بر نسخه‌برداری به چشم می‌خورد و روی برخی دیگر، کاملاً به آرامی نوشته شده «نسخ»، یعنی «نسخه برداری شد».

آرشیوها به این دلیل بوده که اگر مدارک اصلی از بین رفت، نسخه‌ای از آن موجود باشد. تعدادی از منابع اصلی این کار نیز شامل پژوهش‌هایی که دانشگاه شیکاگو روی این الواح انجام داده، به خصوص کتاب‌هایی که در مورد نقش مهرها تهیه کرده، به نمایش درآمده است.

مرکز مطالعات هخامنشی موزه ملی جدولی نیز از همه هجاهایی که در کتیبه‌های باروی دوره هخامنشی به کار رفته تهیه کرده است. اما به درستی نمی‌توان تعداد هجاهای خط ایلامی را مشخص کرد. چون ممکن است برای یک شکل چند صورت مختلف وجود داشته باشد. همچنین در دوره‌های متفاوت ایلامی، شکل هجاها فرق می‌کند.

اما این جدول و گل‌ها و قلم مخصوص نوشتن خط میخی با نام گوه که از چوب تراشیده شده، به بازدید کنندگان امکان می‌دهد گل را در دست بگیرند و باگوه و به کمک جدول، هجاهای میخی را به نگارش درآورند و عملاً شیوه نگارش دوره باستان را تجربه کنند.

همه الواح ایلامی آن چنان که در این نمایشگاه می‌بینیم، پاک و سالم و خوانا نیستند. بسیاری از الواح خرد شده بودند. الواح خرد شده را که تعدادشان هم بیشتر شده و به ۳۵ هزار لوح رسیده، مرکز مطالعات هخامنشی موزه ملی در یک پروژه بلند مدت طبقه‌بندی کرده و به گروه‌هایی چون نقش مهرهای فرعی (متن و لبه)، متن و نقش، نقش مهر، متن، لبه، مغزی، برجسب و... تقسیم کرده است. نمونه‌ای از این قطعات نیز به نمایش درآمده است. این قطعات غالباً ناخوانا هستند و مثل پازل بزرگی می‌مانند که برای مطالعه باید قطعات مربوطه را پیدا کرد و به هم چسباند. همچنین قطعاتی سفالی در این مجموعه پیدا شده است که نشان می‌دهد این الواح در کوزه‌های سفالی نگهداری می‌شده‌اند.

در این نمایشگاه، ریسمان‌های سوخته، یک نمونه گره و یک تارموی انسان هم به چشم می‌خورد که از داخل الواح به دست آمده‌اند. ریسمان‌ها و گره به دلیل آتش‌سوزی تخت جمشید به دست اسکندر سوخته‌اند و تارموی به دست آمده به رنگ سفید است.

مو به مرور زمان سفید و سفت می‌شود و بعد از صد سال هم نمی‌توان مو را با رنگ اصلی آن پیدا کرد، مگر اینکه در شرایط خاصی قرار گرفته باشد. از این رو، بر اساس رنگ مو نمی‌توان سن تقریبی صاحب آن را تشخیص داد. دو طرف همه این الواح سوراخ است. چون از داخل همگی این الواح ریسمان‌هایی عبور می‌کرده و از دو طرف لوح دو سر ریسمان بیرون می‌آمده و به صورت قلبی شکل پیدا می‌کرده است.

به این ترتیب، می‌توانستند الواح را در جایی برای آرشیو آویزان کنند. معمولاً سمت چپ الواح سطح صافی بوده که جای انگشت شست دست چپ است. چون به هنگام نگارش لوح را معمولاً در دست چپ نگه می‌داشتند و از چپ به راست هم می‌نوشتند. در همین قسمت، لوح مهر می‌شده و در واقع رسمیت پیدا می‌کرده است.

اگر نوشته ادامه پیدا می‌کرد، لوح را دور می‌گرداندند و در پشت لوح نوشته را ادامه می‌دادند. اگر نوشته پشت لوح را پر می‌کرد، به همان صورت رها می‌شد و سطح صاف سمت چپ آن مهر می‌شد تا به آن رسمیت بدهد. اما اگر فضایی خالی پشت کتیبه باقی ماند، آن فضا را مهر می‌کردند تا کس دیگری نتواند چیزی آن جا اضافه کند. (درست مانند امروز که انتهای نامه‌های اداری یا چک را می‌بندند).

«شاهرخ رزمجو» توضیح می‌دهد که تمامی این الواح مشابه فاکتورهای امروزی است و هیچ گاه مستقیماً به ما اطلاعاتی نمی‌دهند. اطلاعات را باید از داخل آنها کشید. مثلاً واحدهای وزنی آن دوره که برای پرداخت کالاها به کار رفته، از این الواح شناخته می‌شود: «بر» واحد وزنی جامدات و «مَریش» واحد وزنی مایعات است.

در بعضی متن‌ها، اسم منشی یا کاتب یا دبیری که متن را نوشته، پایین متن اضافه می‌شود. ظاهراً آنها که اسم دارند، شخص معروفی بودند که جایگاه خاص اداری داشتند و وقتی نام خود را پایین متن می‌گذاشتند، می‌خواستند همه بدانند او چه کسی است. اما آن سازمان عریض و طویل اداری و اقتصادی چگونه اداره می‌شد؟

رزمجو می‌گوید: «این سازمان پرداخت‌های مواد غذایی به عنوان پول برای مصارف مختلف، زیر نظر شخصی اداره می‌شد به نام «پرنکه» که عموی داریوش بود. او معاون‌هایی داشت و این معاون‌ها خود زیردستانی داشتند که مقدار مواجب و مواجب مناطق مختلف را تعیین می‌کردند. مناطق مختلف مسنولان متفاوتی داشتند. افرادی هم بودند که کالاها را حمل می‌کردند و به مناطق تحویل می‌دادند و کسانی هم بودند که کالاها را تحویل می‌گرفتند. تمام اینها عضو یک سازمان بسیار منظم و دقیق و برنامه‌ریزی شده پرداخت‌های حقوقی به آدم‌های مختلف بودند.

آیا از این الواح می‌توان پی برد که زندانیان یا بردگانی هم در این نظام به کار گماشته می‌شدند؟ رزمجو در پاسخ به این سوال می‌گوید: «در کتیبه‌ها، از آدم‌ها به عنوان آدم‌های آزاد اسم برده شده که کار می‌کنند و حقوق می‌گیرند. کاملاً هم زیر نظر هستند، نه از نظر امنیتی و حفاظتی، از این نظر که بدانند هر کس چقدر کار کرده و چقدر باید حقوق بگیرد تا مبادا حقوقش کم شود یا به تعویق بیفتد. وضعیت حقوق‌ها هم نشان می‌دهد دستمزد در بعضی موارد خیلی بالا بوده است. اما از اسیر یا برده یا زندانی برای کارها استفاده نمی‌کردند. ممکن است زندانیانی

داشته‌اند اما از آنها برای کارهای ساختمانی بهره‌کشی نمی‌کردند. هنرمندان را به این منظور دعوت می‌کردند و هنرمندان طبق قراردادهایی کار می‌کردند. مدارک مختلفی هم در این مورد وجود دارد. مانند دعوت‌نامه‌ای که ساتراپ مصر برای هنرمندان مصری نوشته بود. در متن‌های خزانه هم نام هنرمندان، ملیت آنان، کار و میزان دستمزدشان ثبت است.»

پایگاه خبری هنر ایران

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

derafsh-kaviyani.com